

نشریه

پیام فلز کار

شماره هفتم - اردیبهشت
۱۳۹۱

کارگر متحد همه چیز ، کارگر متفرق هیچ چیز

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

Email: skfelezkar@gmail.com

ویژه نامه اول ماه مه ، روز کارگر



عناصر آگاه طبقه کارگر درسراسر جهان برای اتحاد سازمانی کارگران مبارزه کرده و می کنند

پیدایش اول ماه مه در جنبش کارگری

روز شنبه اول ماه مه ۱۸۸۶ آسمان شیکاگو صاف و آفتابی بود. صبح آن روز که کارگرها از خواب پا شدند، لباس های پلوخوری شان را پوشیدند، دست زن و بچه های خود را گرفتند و راه افتادند به طرف خیابان میشیگان، که قرار بود راهپیمایی از آنجا شروع شود. توی راه لودگی می کردند و می خندیدند و سرودمی خواندند:

میلیونها رنجبر حالا دارن بیدار میشن

ببینن دارن راهپیمایی می کنن

حالا همه ظالما،

قبل از این که قدرت شون دود بشه

دارن مثل بید میلرزن.

توی آن خیابان عریض موج جمعیت از کنار جوخه های پاسبانان مسلح و میلیشیای ایالتی، که کنار خیابان ایستاده بودند تا «نظم و قانون» را اعمال کنند، رد می شدند. راهپیمایان دیدند که کارآگاه های بنگاه پینکرتون و مامورین پلیس رو پشت بام هاچمباتمه زده اند. و گارد ملی هم با مسلسل های شان، دور از انظار، تو زرادخانه های ایالتی سریراق کرده آماده حرکت بودند.

این فقط یک اعتصاب برای کم کردن ساعات کار روزانه بود. اما کارفرماها طوری رفتاری کردند که مثل اینکه می خواهد انقلاب بشود. برایشان آسان بود که به کمک مطبوعات این اعتصاب را آن طوری جلوه بدهند، حالا چندسال بود که شیکاگو مرکز جنبش های رادیکال شده بود. آلبرت پارسونز، اهل جنوب، ریز نقش، موهایش سیاه، عین هوزغال، و سبیل هاش آویزان بود، با زن قشنگش لوسی که یک سرخپوست مکزیکی بود، در سال ۱۸۷۳ به شیکاگو آمده بود. اگوست اسپایز سی و یک ساله، که یک سوسیالیست آلمانی الاصل بود، یکی دیگر از رهبران اتحاد هشت ساعت کار شیکاگو بود. پارسونز، با زن و بچه اش، به هزاران نفری پیوست که تو خیابان میشیگان جمع شده بودند. در این بین، اسپایز، بدو بدو با یک شماره شیکاگو میل خودش را به او رساند. راهپیمایی داشت شروع می شد. پارسونز فقط یک دقیقه وقت داشت تا نگاهی به سرمقاله روزنامه بیندازد: «دو جانی خطرناک در این شهر آزاد می کردند، دو بزدل پست که سعی می کنند شر به پا کنند. اسم یکی شان پارسونز است و اسم آن دیگری هم اسپایز.... این دو نفر طی ده سال گذشته در کار ایجاد اخلال بوده اند. باید مدت ها پیش آنها را از این

شهر بیرون می کردند. پارسونز واسپایز به جنبش هشت ساعت کارعلاقه ای ندارند... دنبال آشوب و غارت می گردند... امروز نشان شان بکنید، از نظر دورشان ندارید. شخص آنها رامسول هر دردسری بدانید که امروز اتفاق می افتد. اگر اغتشاشی به پا شود آنها را تنبیه بکنید که عبرت آموز دیگران بشوند»

موج کارگران به پیش غلتید، و خانواده ی پارسونز هم، دست تو دست هم، تو صف اول، جلوجمعیت حرکت می کرد. تظاهرات کنندگان ۸۰۰۰۰ نفر بودند. آنها سر بلند، شاد، و با این احساس قوی و اعتماد به نفس راهپیمایی می کردند که صدها هزار کارگر دیگر در تمام کشور تو تظاهرات کنند. به این ترتیب تظاهرات اول ماه مه به آرامی تو شیکاگو برگزار شد. تو تمام مراکز صنعتی کشور، اعتصاب شد. بعضی از کارفرماها گفتند که با کارروانه کمتر موافقت و تو آخرین لحظه جلو اغتشاش را گرفتند.

دوم ماه مه، یکشنبه بود. آن روز هم روز آرامی بود. سوم ماه مه ساکت و آرام شروع شد. اما بعد از ظهرش، پلیس شیکاگو تو کارخانه مک کورمیک هاروستر با کارگران اعتصابی درگیر شد. ماجرا از این قرار بود که وقتی اعتصاب شکن ها داشتند از درهای کارخانه بیرون می آمدند، اعتصابیون گرفتندشان به باد سنگ و جوخه پاسبان ها هم با باتوم و تفنگ به اعتصابیون حمله کردند. چهار کارگر کشته و چندتای دیگر زخمی شدند. قرار شد فردا شیش اتحادیه های کارگری به منظور اعتراض به وحشیگری پلیس، تو میدان هی مارکت میتینگی راه بیندازن. آگوست اسپایز، که برای سخنرانی دعوتش کرده بودند، ساعت هشت ونیم وارد میدان شد. مختصر جمعیتی آنجا دید. رفت بالای یک گاری و شروع کرد به حرف زدن. بیست دقیقه بعد، چو افتاد که پارسونز پیدایش شده، اسپایز پایین آمد، و پارسونز شروع کرد به حرف زدن. اول از مسایل اقتصادی کارگران بحث کرد، و بعد این طور هشدار داد: تو جنبش هشت ساعت کار چیزی نیست که سرمایه دارا رو به هیجان بیاره. میدونین که ارتش تا خرخره مسلحه ویه مسلسل هم واسه درو کردن شما آماده کرده؟ چه خبره، مگه آلمان یا روسیه یا اسپانیایه؟ هر وقت تا شما تقاضای افزایش دستمزد میکنین، میلیشیایو معاون کلانتر و آدمهای پینکرتون رو خبر میکنن، و تو خیابونا کتک تون میزنن، می کشنتون. من اینجا نیومدم که کسی رو تحریک بکنم، بلکه اومدم که واقعیت هارو، همان جوری که هست، رک و پوست کنده بریزم رو دایره، گرچه شاید تا صبح نشده جونم رو سراین کار بذارم. اگه زن و بچه ها تونو دوست دارین، اگه نمیخواین ببینین که از گشنگی جلوتون پرپر میزنن، یا اگه نمیخواین مثل سگ تو خیابونا بکشتن یا لت و پارتون بکنن، واسه آزادی و استقلال تون اسلحه بردارین، مسلح بشین.

حالا ساعت ده شب بود. پارسونز یک ساعتی حرف زده بود. بعد سوسیالیست دیگری به اسم سامویل فیلدون رابه جمعیت معرفی کرد. فیلدون رو به جمعیت که تا اون موقع ۱۲۰۰ تایی شده بودند سخنرانی کرد. فقط ده دقیقه گذشته بود و هنوز آخرین جمله اش شروع کرده بود، تمام نکرده بود که یهو ساکت شد. یک دفعه سر و کله ستون درازی از ۱۸۰ پاسبان توی میدان پیدا شد. این ستون صاف به سمت گاری رفت. فیلدون، گیج و ویج، یک قدم پس رفت. مردم مات تو بارون تنگ هم جمع شده بودند. پاسبان ها به فرماندهی دو تا سروان، پشت گاری صف بستند. سروان وارد گفت: به نام مردم ایلی نويز دستور می دهم که این میتینگ فوراً و به آرامی متفرق شود. سکوت با صدای بلند دستورش را تکرار کرد، و این بار به آن اضافه کرد که «من از شما (اشاره به تماشاچی ها) می خوام که همکاری کنید.» فیلدون گفت: «آخه سروان ماکه آرامیم» او که با اسپایز و دیگران روی گاری ایستاده بودند، آمدند پایین. یک دفعه نور خیره کننده قرمز رنگی برق زد و انفجار مهیبی شد. معلوم نشد یک بمب دینامیتی از کجا آمده بود و جلو صف مقدم پاسبانها به زمین خورد و منفجر شده بود. هفت پاسبان بطرز مهلکی زخم برداشتند، و شصت و هفت تای دیگه صدمه دیدند. پاسبانها تو تاریکی، جمعیت را گرفتند زیر آتش. مردم فرار می کردند، جیغ می زدند، فحش می دادند و ناله می کردند. بعدش پاسبانها عصبانی و دیوانه با چماق افتادند به جان مردم، و به آنها تیراندازی کردند. ظرف چند ثانیه میدان از خون سرخ شده کارگر کشته و پنجاه نفر دیگر زخمی شدند. فردایش مطبوعات شیکاگو و سراسر کشور داد و هوار انتقام سردادند. پلیس محلات کارگرنشین شهر را اشغال کرد. دادستان ایالتی گفت: «حمله کنید، بعد پی قانونش بگردید.» آخر معلوم نشد که بمب اندازی کار کی بود. اما پلیس شکی نداشت که کارکار آنا رشیست ها است و کاسه کوزه را سر آنها شکست. هشت نفر یعنی پارسونز، اسپایز، فیلدون، فیشر، شواب، نی بی، لینگ و انجل رادستگیر و به اتهام توطئه قتل عمده محاکمه کردند. در این باره که کدامیک از این هشت نفر بمب گذاشته یا آن را انداخته هیچ مدرکی ارایه نشد. در واقع سه نفر از این ها توی آن میتینگ بودند. این موضوع هم ثابت نشد که سخنران ها مردم رابه خشونت و اعمال زور وادار کرده باشند. شهردار شیکاگو خودش گفت که سخنرانی ها آرام بود. هفت نفرشان محکوم به مرگ دند. در ۱۱ نوامبر ۱۸۸۷ اسپایز، پارسونز، فیشر و انجل را بادهست های بسته، دستبند بدست و سراپاکفن پوش از سلول هایشان بیرون آوردند. بردند طرف سکوی اعدام، و آنها آرام روی دریچه زیر دار ایستادند. سر و صورتشان را تو باشلق پوشاندند و حلقه طناب دار رابه گردنشان انداختند. جلوی سکوی اعدام ۲۰۰ نفر شاهد تو سکوت منجمدی روی نیمکت هانشسته بودند. یک دفعه صدای اسپایز از زیر آن باشلق درآمد: یه روز میرسه که سکوت ما قوی تر از صداها ی بشه که شما امروز خفه شون میکنین.

«برگرفته از کتاب نان و گل های سرخ نوشته میلتن میلترز ترجمه کیومرث پریانی انتشارات مازیار»

وقتی جیمز اوپن هایم دختر جوانی را در خط محافظت اعتصاب دید که پرده ای رامی بُردند که رویش این شعار نوشته بود «مانان می خواهیم و هم گل های سرخ» این شعر رانوشته:

همچنان که گام زنان می آییم، گام زنان در زیبایی روز،

به هزاران هزار مطبخ تاریک و هزار بالاخانه ی خاکستری کارخانه،

تمام تابشی می افتد که از خورشیدی ناگهان برمی تابد،

زیرا که مردمان آواز ما را می شنوند که می خوانیم:

«نان و گل های سرخ! نان و گل های سرخ!»

همچنان که گام زنان می آییم، گام زنان، برای انسانهایز نبرد می کنیم،

زیرا که آنان فرزندان زنان اند، و ما باردیگر برایشان مادری می کنیم.

دیگر از شیریه زندگی ما، از تولد تا پایان زندگی، نخواهند دوشید، دل همام گرسنگی می کشد هم بدان گونه که تن های مان، هم نان دهید ما را، و هم گل سرخ!

همچنان که گام زنان می آییم، گام زنان، مرده بشمار زنان

گریان می گذرند از میان آوازه خوانی ما با گریه ی عمیق شان

برای نان.

ارواح رنجبرشان هنر را و عشق را و زیبایی را چندان نمی شناسد.

آری، برای نان می جنگیم – و اما برای گل های سرخ هم!

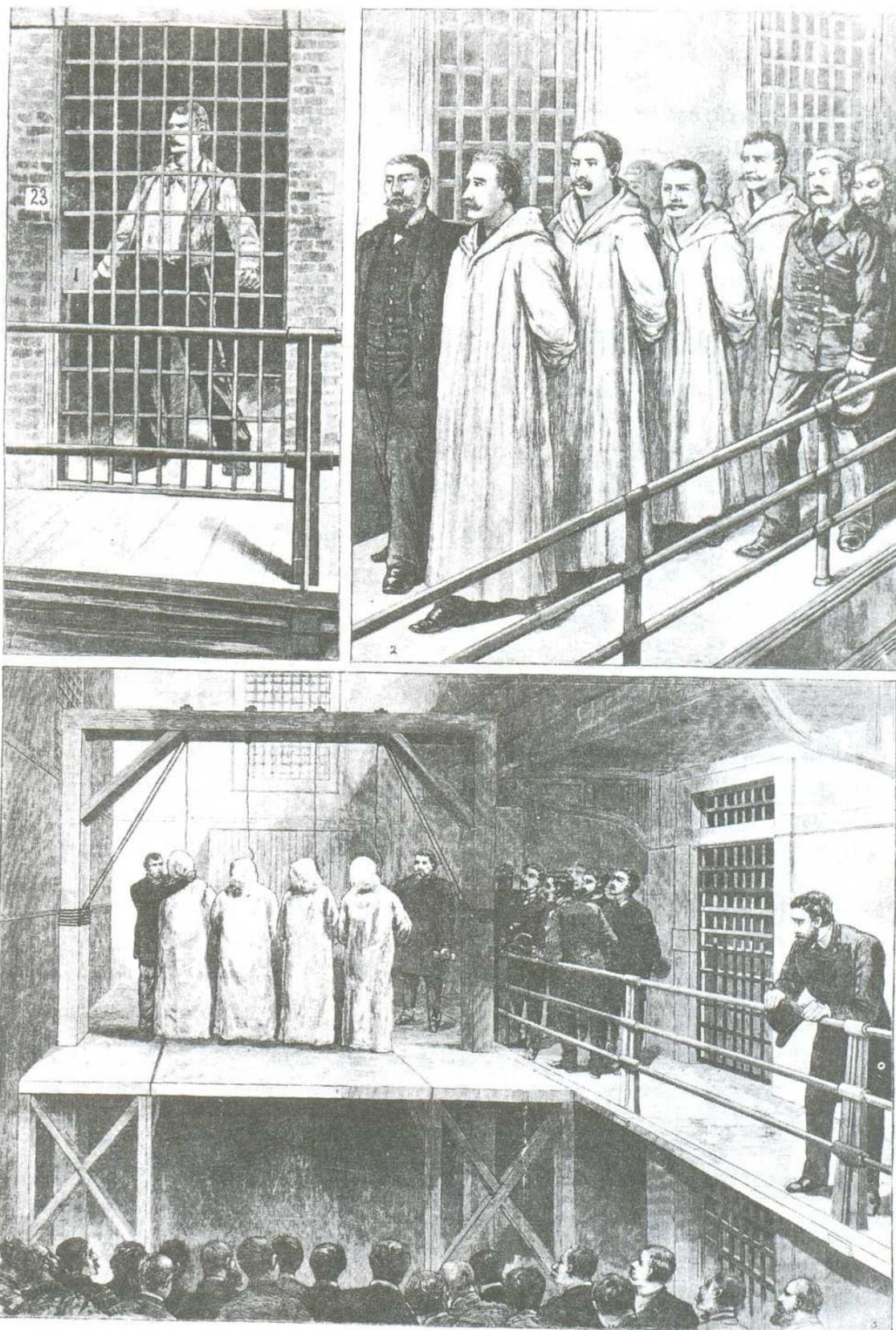
همچنان که گام زنان می آییم، گام زنان، روزهای بزرگتری می آوریم.

برخاستن زنان یعنی برخاستن نوع انسان.

دیگر نه رنجبر و نه بیکاره ی تن آسا-

ده تن به رنج اندرند آنجا که یکی میآ ساید،

بلکه در شکوه های زندگانی سهیمیم: نان و گل های سرخ! نان و گل های سرخ!



هفته‌نامه‌ی آخرین ساعات زندگی چهار شهید هی مارکت را تصویر کرده است: ۱. آلبرت پارسونز در سلولش سرود می‌خواند. ۲. مردها دارند به‌طرف سکوی اعدام می‌روند. ۳. پیش از انداختن دریاچه دارند باشلق‌ها را به‌سرشان می‌کشند.

تاریخچه روز کارگر در ایران

۱۲۷۹/۲/۱۱- اول ماه مه تنها با شرکت ۱۳ نفر آنهم بطور مخفیانه در شهر باکو توسط ایرانیان.

۱۲۸۵- تشکیل نخستین اتحادیه کارگری ایران، در چاپخانه کوچکی در خیابان ناصریه تهران توسط محمد پروانه کارگر چاپ.

پایان سال ۱۲۹۷- تشکیل شورای اتحادیه های کارگری تهران به مدیریت محمد دهگان. اتحادیه های تهران بیش از ۸۰۰۰ عضو رسمی داشت. آنهاد را اتحادیه های زیر متحد شده بودند: کارگران چاپخانه ها ۲۰۰۰ نفر، کارگران مغازه ۸۰ نفر، شاگردان خیاط ۱۰۰۰ نفر، نوکران تجارت خانه ها ۱۲۰ نفر، خراطان ۱۵۰ نفر، کارگران کفاش ۱۸۰۰ نفر، کارگران قناد ۴۰۰۰ نفر. غیر از تهران در شهر هادیگر، نیز اتحادیه هایی تشکیل شده بود. در تبریز غیر از اتحادیه پیشه وران، اتحادیه های کارگری نیز تشکیل یافته بود. در این اتحادیه ۸۰۰ کارگر متحد شده بودند. نام اتحادیه، اتحادیه کارگران بود. همچنین اتحادیه معلمان نیز تشکیل یافته بود.

۱۲۹۹/۲/۱۱- گرامی داشت روز کارگر در عمارت خیریه تبریز با شرکت شیخ محمد خیابانی و تجلیل از باسکرویل معلم آمریکایی که در جریان جنگ مقاومت تبریز در زمان انقلاب مشروطه به شهادت رسیده بود.

۱۲۹۹/۲/۱۱- نخستین بار جشن روز کارگر بدست حزب سوسیال دمکرات ارمنی برپا گردید. این جشن برای اعضای حزب برگزار شد.

۱۳۰۱/۲/۸- روزنامه حقیقت: اول ماه مه باید تعطیل شود این تعطیلی هرج و مرج نیست. این تعطیل انقلاب هم نیست، این تعطیل است که باید ملت از حکومت باز و حقوق خود را مسترد دارد. این عید نیست بلکه دادخواهی است. این روزی است که دولت باید موجودیت ملت را بفهمد. باید به حکومت فهماند که تونو کر ملت هستی باید موافق خواش ملت رفتار کنی، تو نمیتوانی از آزادی قلم، آزادی مطبوعات و آزادی اجتماعات جلوگیری کنی، زیرا آن حق مشروع ملت است. تو نباید بدون رضای خواش ملت برخلاف مصالح ملت با اجانب معاهده عقد کنی. زیرا آن حق رامت بتو نداده است. تو نباید و نمی توانی حکومت را برای شخص خود آلت استفاده قرار داده، اولاد اتباع خود را وکیل کنی و قوم و خویش خود را در ادارات دولتی جابجا نمایی.

۱۳۰۱/۲/۱۰- نمایش کم‌دی اخلاقی در سه پرده به افتخار کارگران در سالن گراند هتل رافراموش نکنید.

-دربین نمایش استادحسین سیاسی از طرف کارگران تبریک عید به حاضران گفته، بعد اسمعیل حروفچین نطق مختصری از طرف اتفاق جوانان ایراد نمود که باغریو نابود باد ظلم، زنده باد مساوات خاتمه پذیرفت.

۱۳۰۱/۲/۱۱-اطلاعیه اتحادیه کارگران چاپخانه ها: اتحادیه کارگران مطابع به سمع عموم کارگران می رساند بموجب تصمیمی که به اکثریت آرا اتخاذ شده است اول ماه مه، امروز ۱۱ ثور، به مناسبت عید کارگران با عموم کارگران هم‌آواز و کارگران مطابع تعطیل نموده اند.

۱۳۰۱/۲/۱۱- نخستین نمایش جمعی به مناسبت اول ماه مه در مسجد سپهسالار به سخنرانی علی آقا کاوه کارگر چاپ.

- سخنرانی علی آقا کاوه :آقای کاوه نطق بلیغی در معنی اول ماه مه، وفواید اتحاد کارگران اظهار و بعد شرحی بر ضد اوضاع حاضر و لزوم اجرای قانون اساسی ایراد کردند.

۱۳۰۱/۲/۱۱- عصر روز دوشنبه میتینگ کارگران در مسجد سپهسالار. بعد از نطق آقای کاوه استادحسین سیاسی در مورد بدبختی و فلاکت طبقه زارع، کارگر و مظلوم اشراف و نتیجه نگرفتن از مشروطیت و قانون اساسی بیان نمودند.

۱۳۰۱/۲/۱۱- همزمان با گردهمایی کارگران در مسجد سپهسالار، جلسه ای در مخالفت با کارگران در مسجد برگزار شد که منجر به درگیری میان کارگران و مخالفین گردید.

۱۳۰۱/۲/۱۱- روزنامه حقیقت: به عقیده ما: ۱- فردا باید بدون تأخیر در تمام نقاط ایران حکومت های نظامی لغو شود، زیرا مخالف قانون اساسی است، ۲- محبوسین سیاسی که به جرم آزادیخواهی یا هر نوع مسلک سیاسی در ایران توقیف شده اند، آزاد گردند، ۳- جرایدی که تا بحال بدون محاکمات هیأت منصفه در مرکز ولایات توقیف شده اند، منتشر گردند، ۴- اصول امتیاز روزنامه که برخلاف قانون اساسی است، ملغی گردد، ۵- نظارت و جلوگیری از هر قبیل آزادیخواه لغو بشود، ۶- کنفرانس، میتینگ، اجتماعات، تعطیل، در همه جا آزاد باشد، ۷- مأمورین دولتی که به آنها اتهام دزدی و خیانت زده شده و اعم از وزیر و وکیل یا مستشار تحت محاکم بیرون آیند، ۸- قانون برای تعیین حدود کارگر و کارفرما وضع شود، ۹- از تعدیات ملاکین نسبت به رعایا کاملاً جلوگیری شده و قانون معینی برای حدود آنها وضع شود که ملاکین نتوانند بر آنها تحمیل کنند، ۱۰- اراضی خالصه بین

رعایا تقسیم گردد، ۱۱- اصول مالیات بر عایدات تعیین شده و مالیاتهایی که تحمیل به فقراست، ملغی گردد، ۱۲- انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی و بلدی (شهرداری) شروع شود، ۱۳- ادارات کشوری از اختیار مأموران لشگری خارج شود، ۱۴- مسافرت آزاد و جواز ملغی شود، ۱۵- در مناسبات تجاری و قوانین گمرکی تجدید شود، ۱۶- بطور کامل از مظالم و غارتگری حکام و مأمورین دولت عموماً جلوگیری و در صورت تجدید فجایع آنها، مجازات به آنها داده شود.

۱۳۰۱/۲/۱۷- وزارت خارجه انگلیس: تنها کارگران چاپخانه ها از کار دست کشیدند. میتینگ های سیاسی در مسجد شاه و یکی دو محله شهر انجام شد.

۱۳۰۲/۲/۱۱- بیانیه کارگران اتحادیه چاپ درباره لزوم برگزاری و تعطیلی روز کارگر. نویسندگان بیانیه محمد پروانه، باقرنوبی که به دستگیریشان منجر شد.

۱۳۰۲/۲/۱۱- بیانیه اتحادیه مرکزی کارگران: بنابر تصمیم اتحادیه مرکزی، کارگران روز اول ماه مه رابه یادگار عید کارگران می خواستند جشن بگیرند و در ضمن نماینده فرستاده خواستند از حکومت نظامی نیز کسب اجازه نموده باشند. حکومت نظامی نیز علاوه بر آن که اجازه ندادند نمایش رانیز به تعویق انداخته اظهار داشتند که کارگران اتحادیه را برای چه می خواهند.

۱۳۰۲/۲/۱۱- روزنامه کار: امروز کارگران مطابع طهران به مناسبت عید اول ماه مه اعتصاب نمودند و دو ساعت به غروب مانده از طرف ۲ نفر از کارگران در میدان توپخانه و محل سابق ایران آزاد نطقی مبنی بر عالم کارگری بیان گردید.

۱۳۰۲/۲/۱۱- کارگران ارمنی در تئاتری در تبریز که عده زیادی از اهالی و روسای ادارات دعوت نموده و نطق مفصلی کرده پس از آن شروع به نمایش تئاتر گردید و تا ساعت یک بعد از شب خاتمه یافت.

۱۳۰۳/۲/۱۱- جشن روز کارگر توسط اتحادیه کارگران مطابع بایک روز اعتصاب.

۱۳۰۳/۲/۱۱- جشن روز کارگر در رشت و انزلی توسط اتحادیه کلاهدوزان، کرجی بانان، حمالان، حلبی سازان.

۱۳۰۴- شکراله مانی: از سال ۱۳۰۴ که پهلوی به شاهی رسید، جشن کارگران نوعی جنایت بشمار می آمد و اداره نظمیه برای جلوگیری از آن سختگیری و پافشاری می نمود.

۱۳۰۵/۲/۱۱- برگزاری باشکوه جشن روز کارگر توسط اتحادیه های کارگری در تهران.

۱۳۰۶/۲/۱۱- یورش ماموران شهربانی به چاپخانه هاوضبط اعلامیه های مربوط به جشن اول ماه مه.

۱۳۰۶/۲/۱۲- دستگیری کارگران به مناسبت برگزاری و مراسم روز جهانی کارگر. مهدی کمیرام، بهرام قلی مسگرزاده، سلمان قالب تراش ازکفاش، حسین سیافی ازبنایان، باقرنوابی، محمد پروانه، علی آقا کاوه، علی اصغرکاوه، زیرونی، اوهان ماطاوس ازچاپخانه ها. که آقایان کیمرام، مسگرزاده، سلمان قالب تراش ۳۲ ماه در زندان ماندند.

- بهرام قلی مسگرزاده به بازجوها گفته بود که مهرورمز اتحادیه در دست من است. من آنرا به هیچکس نخواهم داد، مچ مرا ببرید و مهر را بیرون بکشید.

۱۳۰۷/۲/۱۰- پخش بیانیه اول ماه مه. این بیانیه توسط مرتضی حجاری کارگر چاپخانه ها تکثیر شده بود.

۱۳۰۷/۲/۱۱- سازمان دهندگان جشن اول، ماه مه در تهران: اردشیر آوانسیان، میرزا علی طرفدار، عطاله عبدالله زاده.

۱۳۰۷/۲/۱۱- برگزاری نیمه مخفی جشن روز کارگر با حضور صدها کارگر در باغی بیرون از تهران، ۶۰۰ نفر در این جنبش حضور داشتند.

۱۳۰۷/۲/۱۱- افتتاح جشن روز کارگر با سخنرانی میرزا علی طرفدار کارگر بنارویس اتحادیه کارگران بناخانه تهران، در باغی در دروازه دولت تهران. این کارگران بعد از ظهر به کلوب سوسیالیست ها، در خیابان فردوسی که متعلق به علی اکبر دهخدا بود، پیوستند.

- این خانه در سالهای پس از ۱۳۲۰ بیاد این جشن کارگری، کلوب اول ماه مه نامگذاری شد.

۱۳۰۷/۲/۱۱- کارگران عضو اتحادیه در گردهمایی علنی سوسیالیستها واقع در فردوسی به سرپرستی سلیمان میرزا اسکندری و میرزا شهاب کرمانی شرکت کردند. از طرف کارگران نیز عبدالحسین حسابی دهزاد در این گردهمایی سخنرانی کرد.

اردیبهشت ۱۳۰۷- حمله به روزنامه برق و دستگیری کارکنان در آن و دستگیری ۲۵۰ نفر از فعالین کارگری، به اتهام پخش اعلامیه روز کارگر.

۱۳۰۸/۲/۹- دستگیری ۹۳ نفر از فعالین اتحادیه کارگران نفت جنوب توسط کمپانی انگلیسی نفت جهت جلوگیری از اعتصاب احتمالی.

۱۳۰۸- آمدن ابراهیم علی زاده به ایران و کار در ساختمان راه آهن شمال. احداث راه آهن بندر شاه (بندر ترکمن) به شاهی تازه آغاز شده و توسط وی نخستین حوزه سازمانی ایالت حزب کمونیست ایران در کارخانه شاهی برپا گردیده بود. این حوزه ابتدا سه نفر و همگی کارگر ساده بودند.

۱۳۰۸/۲/۱۱- یازده هزار کارگر در صنعت نفت برای دستمزد بیشتر، هشت ساعت کار، مرخصی سالانه با استفاده از حقوق، خانه سازمانی و رسمیت یافتن اتحادیه اعتصاب کردند. در این اعتصاب پانصد نفر دستگیر شدند.

۱۳۰۸/۲/۱۱- جشن اول ماه مه توسط حزب کمونیست ایران شاخه خراسان در مشهد.

بنابه گزارش ماهنامه ی ستاره سرخ در ۱۳۰۸ اکثر کارگران ساده شرکت نفت جنوب ماهیانه ۸ تا ۹ تومان و تعداد محدودی ۱۴ تومان دستمزد می گرفتند. کارمندان دفتری ۲۵ الی ۴۰ تومان و مدیران انگلیسی از ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان حقوق دریافت میکردند. از طرف شرکت به کارگران ساده خانه وامکانات رفاهی داده نمی شد. سیاست شرکت بر این پایه بود که معمولاً کارگران با سابقه را اخراج میکرد و جای آنها را با کارگرانی که بتازگی از دهات می آمدند و از حقوق خود غافل بودند، پر میکرد.

۱۳۰۸/۲/۱۱- جشن روز کارگر در گیلان با حضور اتحادیه حملان و کرجی بانان.

۱۳۰۸/۲/۱۱ - برگزاری جشن اول ماه مه توسط اتحادیه کارگری در باغ معینه تهران، مسئول برگزاری میرزا علی طرفدار. جشن با خواندن مقاله ای توسط جعفر اردو خانی شروع و با خواندن شعرو سرود و ارکستر کارگری و بازگشت ۲۰۰۰ کارگر به تهران پایان یافت.

۱۳۰۸/۲/۱۲- دستگیری ۵۰ نفر از رهبران اتحادیه های کارگری. نوابی و پروانه و از چاپ، میرزا باقر فخریان، سید محمدیزدی، میرزا حبیب یزدانیان از پارچه بافان، کیمرام و حسن مسگرزاده از کفاش، میرزا علی طرفدار از بنا.

۱۳۰۸/۲/۱۲- دستگیری رهبران اتحادیه های کارگران رفتگران، تنباکو، بافندگان، بزازان.

۱۳۰۸/۲/۱۳- اعتصاب کارگران تصفیه خانه آبادان، ۱۴ هزار کارگر در اعتصاب شرکت داشتند این اعتصاب از ساعت ۸ صبح به دعوت اتحادیه مخفی کارگران نفت به رهبری یوسف

افتخاری، رحیم همداد، رمضان کاوه، حسن علی ثابتی، وفایی، علی امید، سازماندهی شده بود که کارگران بیکار نیز به این اعتصاب پیوستند. خواسته اتحادیه کارگران: ۱- بالابردن دستمزدها تا ۱۵٪ - ۲- برسمیت شناختن اتحادیه کارگری ۳- برسمیت شناختن عیداول ماه مه ۴- دخالت دادن کارگران و نمایندگانشان در مورد اخراج و قبول کارگر ۵- هفت ساعت کار برای جوانان کمتر از ۱۸ سال.

۱۳۰۸/۲/۱۴- سرکوبی اعتصاب کارگران پالایشگاه نفت آبادان. پنج هزار کارگر اخراج، ۱۵۰ کارگر زخمی، ۲۰۰ کارگر بازداشت شدند. از جمله دستگیرشدگان: علی امید، رحیم همداد، یوسف افتخاری بودند که تا سال ۱۳۲۰ در زندان رضاشاهی ماندند. این اعتصاب تحت رهبری حزب کمونیست ایران سازماندهی شده بود.

۱۳۰۸/۲/۱۴- گزارش روزنامه ستاره سرخ از جریان اعتصاب: روز ۴ ماه مه ۱۹۲۹ ساعت ۸ صبح اعتصاب شروع شد، دستجات پلیس که در محل آماده بودند به علت کمی جرأت حمله به کارگران ننمودند. کمپانی زورق های موتوری خود را برای حمل قشون از بندرو شهرهای دیگر بکار انداخت. کارگران آمدن قشون را با خواندن سرودهای انقلابی و فریاد محبوباد کمپانی انگلیس و ایران، محبوباد عمال امپریالیسم، محو باد امپریالیسم انگلیس تلافی کردند، پاسبانان و سربازان با شمشیر و قمه های برهنه به کارگران حمله و کارگران با سنگ و چوب مقاومت کردند، در نتیجه بیست کارگر و ۱۵ پلیس زخمی شدند از ده هزار کارگر، ۹ هزار کارگر در اعتصاب شرکت کردند. عملیات معدن به کلی فلج و دکانین همه بسته و کارگران بیکار به صف اعتصابیون پیوستند. جمعیتی قریب بیست هزار کارگر، و کسبه در برابر قشون پلیس ترتیب دادند، در همین روز در مسجد سلیمان و نواحی دیگر نیز اعتصاب شروع شد.

۱۳۰۸/۲/۱۵- اعضای باقیمانده رهبران کارگران آبادان: میرایوب شکیبا، تاج بخش، بدرالملوک تاج بخش، حسین سپه پور، سید محمد تنها، عبدالله نجار، غلامرضا شیرازی.

۱۳۰۹/۲/۱۱- جشن روز کارگر بصورت مخفی در کوه های بیرون مشهد.

۱۳۱۰/۲/۷- بیانیه اتحادیه کارگران ایران خطاب به کارگران شهر و ده آذربایجان در شهر تبریز منتشر شد، که خواستار: قانون کار، آزادی مطبوعات و اجتماعات کارگری، علنی شدن اتحادیه های کارگری، ۸ ساعت کار، جلوگیری از کار اطفال، بهداشت در کارخانه ها، بیمه کارگران، تأمین معاش بیکاران شهر و دهات بود.

۱۳۱۰/۲/۱۰- پخش بیانیه اتحادیه کارگران ایران به مناسبت اول ماه مه، و اعتراض به وضعیت کارگران.

۱۳۱۰/۲/۱۱- جشن روز کارگردرکوههای حومه تیریز با شرکت کارگران اتحادیه صابون سازان، بافندگان و کارگران دیگر صنوف.

۱۳۱۰/۲/۱۱- بدعوت تشکیلات سری کارگران کارخانه نساجی وطن اصفهان، روزاول ماه مه، شصت تاهفتاد نفر به جلسه آمدند. در مراسم فوق پارچه سرخی که روی آن عبارت «رنجبر روی زمین اتحاد» نوشته شده و به دیوار نصب گشته بود. در جلسه «زیان های کنترات نامه» برشمرده شده و با ذکر توضیحاتی پیرامون فشارهایی که به کارگران وارد می شد، زمینه اعتصاب فراهم آمد. آنگاه مراسم با شعارزنده باد اتحاد کارگران کارخانه وطن، اتمام یافت

۱۳۱۰/۲/۱۵- اعتصاب ۴۰۰ کارگر کارخانه نساجی اصفهان برهبری حزب کمونیست ایران، دراین اعتصاب که منجر به اعتراض ۴۰۰ کارگر در چهارباغ اصفهان نیزگشت، اعتراض به شرایط کاربود با ۲۰٪ اضافه دستمزد و کاهش ساعات کاربه ۹ ساعت در روز و عمل تحقیرآمیز تفتیش کارگران به هنگام خروج موقوف گشت. رهبران اعتصابی در کارخانه وطن اصفهان نصراله اصلانی، سیدمحمد تنها.

- پس ازاعتصاب کافه ای برای صرف غذا در کارخانه ایجادگشت، ناسزاگویی و جریمه کاهش یافت، ظرف های آب یخ در تمام قسمت های کارخانه نصب شد، زمان استراحت جهت صرف غذابه یک ساعت افزایش یافت، کنترات نامه پیش گفته لغو شد.

۱۳۱۳/۲/۱۱- انجام اقداماتی ازطرف حکومت برای جلوگیری از برگزاری مراسم اول ماه مه توسط کارگران.

۱۳۱۵/۲/۱۱- اعلامیه روز جهانی کارگر. این اعلامیه در کارخانه وطن اصفهان، پالایشگاه آبادان و کارگران راه آهن شمال پخش شد.

۱۳۲۱/۲/۱۱- برگزاری جشن روز کارگر در خیابان شاه آباد توسط اتحادیه های کارگری.

۱۳۲۳/۲/۱۱- تشکیل شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران با شرکت ۴ سازمان سندیکایی.

- در مرکز شورای متحده، شواری مرکب از ۵۵ نفر قرارداد داشت که از میان آنان ۱۵ نفر بعنوان هیأت مرکزی و پنج نفر بعنوان دبیر انتخاب شدند.

۱۳۲۴/۲/۱۱-برگزاری نخستین جشن اول ماه مه توسط شورای متحده مرکزی زحمتکشان ایران در تهران.

۱۳۲۴/۲/۱۱-تظاهرات عظیم اول ماه مه درآبادان، که ۸۰ هزار کارگر در آن شرکت داشتند.

-آل اول ساتن در کتاب نفت ایران می نویسد: از سال ۱۳۲۰ فعالین سندیکایی، فعالیت شدیدی را در صنایع نفت آغاز کردند. اما شرکت ترجیح می داد که تابع موافقانونی باشد که این گونه فعالیتها را از هر نوعی که باشد قدغن می کرد، وقتی در اول ماه مه ۱۳۲۴ بیش از ۸۰ هزار کارگر ایرانی برای تظاهرات به خیابان ریختند و از شرکت نفت بهبودوضع مسکن، افزایش دستمزد، افزایش سهمیه خواربار، بهبود شرایط کار و معیشت را طلب کردند، شرکت غافلگیر شد.

۱۳۲۴/۲/۱۱- ارسال تلگراف و نامه های شورای متحده مرکزی به اتحادیه های کارگران سایر ملل به مناسبت اول ماه مه.

۱۳۲۴/۲/۱۱- راهپیمایی کارگران عضو شورای متحده در اصفهان ۴۰/۰۰۰ نفر.

۱۳۲۵/۲/۱۱- راهپیمایی ۶۰۰۰۰ نفری در تهران بمناسبت اول ماه مه.

۱۳۲۵/۲/۱۱- سخنرانی رضا روستا رهبر شورای متحده مرکزی از رادیو به مناسبت اول ماه مه .

۱۳۲۵/۲/۱۱- پیام لویی سایان رهبر سندیکای جهانی در رابطه با اول ماه مه.

۱۳۲۵/۲/۱۱- راهپیمایی ۸۰۰۰۰ نفری کارگران درآبادان بمناسبت روز کارگر.

۱۳۲۵/۲/۱۱- برگزاری اول ماه مه در همدان توسط شورای متحده همدان به دبیری منوچهر فرجادی.

۱۳۲۵/۲/۱۱- راهپیمایی کارگران عضو شورای متحده در کرمان ۱۰۰۰ نفر. اعضای شورای متحده در این سال ۳۵۵۰۰ نفر بود.

۱۳۲۵/۲/۱۱- راهپیمایی ۷۰۰ هزار نفر کارگرایرانی در جشن اول ماه مه به دعوت شورای متحده. در این راهپیمایی از دولت مرکزی حمایت به عمل آمد.

۱۳۲۵/۲/۱۱- روز جهانی کارگردر کرمانشاه به گلوله بسته شد و جمع کثیری کشته و مجروح شدند. آغاز گرتیراندازی بسوی تظاهرکنندگان یاور رفیعی بود. یاور رفیعی به تهران احضار و عده تعقیب و مجازات مسببین، پرونده کشتار اول ماه مه بسته شد.

۱۳۲۵/۲/۱۱- قطعنامه میتینگ شورای متحده محلی اتحادیه کارگران و زحمتکشان شیرگاه: طردشور اتسکف، محاکمه وکلای خاین دوره چهاردهم، شروع فوری انتخابات مجلس پانزدهم، تصفیه دستگاه حاکمه از عناصر فاسد، محاکمه قاتلین کارگران بدست ژاندارمری در روز استقبال نمایندگان آذربایجان در تهران که کشته شدند.

۱۳۲۵/۲/۱۱- شورای متحده در کلیه شهرها چون نایین، کرمان، رفسنجان راهپیمایی عمومی ترتیب داد.

۱۳۲۵/۲/۱۱- در راهپیمایی خوزستان سخنرانان خواستار ۸ ساعت کار، افزایش دستمزد، بهبود وضع مسکن، حقوق روزهای جمعه، تدوین قانون جامع کار شدند. یک سخنران زن، نفت را مرور پدایران خواند و انگلستان را متهم کرد که برای خوراک سگهای بیشتر از مزد کارگران خرج میکند و خلع پداز شرکت ایران و انگلیس را خواستار شد.

- کنسول بریتانیا در خرمشهر هشدار داد که در این مراسم سخنگوی زنان نه تنها تقاضای یک قانون کار جامع متشکل از پرداخت برابر برای کار مساوی را مطرح کرده، بلکه خواستار ملی شدن نفت شده است.

۱۳۲۵/۲/۱۱- اعتصاب سراسری کارگران لکوموتیو بدلیل فحاشی سرپرست انگلیسی به ایرانیان.

۱۳۲۵/۲/۱۴- آغاز اعتصاب کارگران نفت آغا جاری برای: اضافه دستمزد، ساختن خانه برای کارگران، تهیه دکترو قابله و درمانگاه برای کارگران، پرداخت مزد روز جمعه.

۱۳۲۸/۲/۱۱- اعلامیه شورای متحده در مورد روز کارگر و حمله به شورای متحده و دستگیری و محاکمه رهبران آن.

۱۳۲۹/۲/۱۱- اعلامیه شورای متحده در رابطه با اول ماه مه و حوادث اخیر در شاهی و بندر معشور.

۱۳۲۹/۲/۱۱- حمله نظامیان به تظاهرات اول ماه مه کارگران شاهی و شهادت عده ای از کارگران.

۱۳۳۰/۲/۱۱ - دکتر مصدق برگزاری روز اول ماه مه را آزاد اعلام کرد.

۱۳۳۰/۲/۱۱ - بیانیه شورای متحده به مناسبت اول ماه مه .

۱۳۳۰/۲/۱۱ - رژه ۸۰ هزار کارگر، دهقان، پیشه ور و روشنفکران علیه قرارداد شرکت نفت جنوب به دعوت سازمانهای دموکراتیک در تهران .

۱۳۳۰/۲/۱۱ - تظاهرات کارگران اصفهان به سخنرانی مرتضی بنی لوح، مرتضی دانش پور، نصراله باغبانی از کارگران، حسین شیروانی از فرهنگیان ، دکتر حسین آذر از پزشکان در میدان حیدرپور اصفهان .

۱۳۳۱/۲/۹ - به مناسبت نزدیک شدن اول ماه مه کارخانه ها و مراکز کارگری تحت نظر قوای انتظامی قرار گرفتند .

۱۳۳۱/۲/۱۱ - اعلامیه شورای متحده به مناسبت اول ماه مه .

۱۳۳۱/۲/۱۱ - جشن روز کارگر در منبع آب شماره ۴ شعبه بهار با حضور ۳۰۰۰ کارگر شاغل . هیأت برگزاری: سیروس راستی، حیدر معروفی، رحیم یکرنگی .

۱۳۳۳/۲/۱۱ - برگزاری جشن روز کارگر در کارگاه ساختمانی لاندات توسط سندیکای کارگران ساختمانی با سخنرانی رحمانی و نبی معروفی.

۱۳۳۴-۱۳۴۰ - برگزاری روز کارگر در خانه ها، کارگاهها، دامنه کوهها و توسط گروه های کوهنوردی کارگری درستیغ قلل کوههای همیشه سرفراز. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ رژیم کارگرسنیز پهلوی، روز کارگر را مطابق با روز تولد رضاشاه انگلیسی اعلام کرده بود.

۱۳۴۲ - برگزاری جشن روز کارگر در زندان قصر تهران توسط محمدعلی گیلانی نژاد از سندیکالیست های ساختمانی، هدایت اله معلم، خلیل پرن، گایگ آوانسیان از سندیکالیست های کارگران فلزکار مکانیک، محمود فردوسی از اتحادیه فرهنگیان تهران، روبن ناوار استپانیان، احمد تودد کارگران باتری ساز، حسین زاده شانجانی کارگر خیاط، رضا فارسی مسوول امتحان رانندگان شرکت واحد، محمدفرهت مطلق، غلامحسین باباجادادی، ابوالقاسم احمدگلی، علی مخبریان نجات، علی آقاجانی، محمدمحمدزاده، حسین مفیدی فر، اصغر سررشته داری، سندیکالیست های شرکت واحد اتوبوسرانی تهران که همگی از اعضای هیأت مدیره سندیکای رانندگان شرکت واحد بودند. در روز کارگر همگی

لباسهای ایشان را پوشیده به حیاط هواخوری آمده و هر زندانی را که می دیدند پس از تبریک مقداری کشمش به عنوان شیرینی به او می دادند.

۱۳۴۷- رسم بود که اگر می خواستیم اعلامیه ای صادر کنیم می باید آنرا به بخش کارگری ساواک مستقر در وزارت کار نشان می دادیم و سپس اقدام به پخش آن می نمودیم. وقتی من (جوادمهران گهر مسوول تبلیغات) و آقای سمنانی که رییس هیات مدیره سندیکای کارگران کفاش تهران از پله های وزارت کار بخش کارگری ساواک پایین آمدیم با نگاهی بهم اعلامیه خط خطی شده روزکارگر توسط ساواک را پاره کرده و دور ریختیم و اعلامیه خودمان را دست نویس بین کارگران صنف پخش کردیم و راهی قله دماوند شدیم با تدارکات کمیته کوه سندیکا.

۱۳۵۵- جشن روز کارگر در زندان اوین توسط هدایت اله معلم، خلیل پرن، اعضای سندیکای کارگران فلزکار مکانیک تهران و گاگیک آوانسیان کارگر مکانیک.

۱۳۵۸- برگزاری جشن روزکارگر توسط ۳۸ سندیکای کارگری و شوراهای همبسته باسندیکاها به دعوت سندیکای کارگران بافنده سوزنی.

۱۳۵۹- برگزاری جشن روز کارگر به دعوت انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری در میدان سپه تهران با حضور بیش از ۵۰ سندیکا و شوراهای کارگری همبسته باسندیکاها کارگری.

۱۳۶۰- برگزاری روزکارگر توسط انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری در ورزشگاه نصیری تهران با حضور بیش از ۱۰۰ هزار نفر از کارگران در داخل و بیرون ورزشگاه و راه اندازی کارناوال هایی علیه توطئه های امپریالیسم آمریکا و لیبرال ها و عناصر نفوذی ساواک.

برگزاری جشن روزکارگر در تبریز با سازماندهی انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگری تبریز در مقابل کنسول گری آمریکا در تبریز.

۱۳۶۱- برگزاری جشن روزکارگر توسط سندیکاها در خانه ها و باغها و صعود به قله ی کوهها توسط گروههای کوهنوردی کارگری.

۱۳۶۲- بسته شدن سندیکاها و کارگری و دستگیری رهبران آنها. هدایت اله معلم عضو هیات مدیره سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، حسن یونسی رییس هیات مدیره سندیکای کارگران کفاش تهران، جوادمسنا، برادران مرحمتی، طبرسی از هیات مدیره سندیکای کارگران بافنده سوزنی، حمیدعلی

دوستی، محسن سجادی، هوشنگ زرین کلک، شمسیه یزدانی، مجتبابایی از هیات مدیره سندیکای کارگران خیاط.

از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۰ - برگزاری جشن روزکارگر در تعاونی مصرف کارگران فلزکار مکانیک واقع در خیابان کارگر خیابان قزوین و چهار راه سپه.

۱۳۸۳-۱۳۸۲-۱۳۸۱ - برگزاری جشن روزکارگر در تالاریاقوت به میزبانی پیشکسوتان سندیکایی.

۱۳۸۴ - برگزاری جشن روزکارگر در تالارباختر واقع در میدان انقلاب توسط هیات موسسان سندیکاهای کارگری به میزبانی هیات موسس بازگشایی سندیکای کارگران شرکت واحد، بامجری گری منصور اسالو و قرائت قطعنامه توسط یعقوب مهدیون.

۱۳۸۵ - لغو قرارداد برگزاری جشن روزکارگر در فرهنگسرای بهمن به میزبانی هیات موسسان سندیکاهای کارگری. برگزاری جشن روز کارگر در دشت خوربه میزبانی گروههای کوهنوردی کارگری.

۱۳۸۶ - لغو برگزاری جشن روزکارگر به میزبانی انجمن کار در فرهنگسرای کار خیابان قزوین. برگزاری جشن روزکارگر در دشت خور جاده چالوس به میزبانی گروههای کوهنوردی کارگری.

۱۳۸۷ - برگزاری جشن روزکارگر در پارک جنگلی چیتگر به میزبانی گروههای کوهنوردی کارگری.

۱۳۸۸ - برگزاری جشن روز کارگر در تعاونی مصرف کارگران فلزکار مکانیک و دستگیری بیش از ۵۰ نفر و زندانی شدن ۱۵ نفر از اعضای هیات مدیره تعاونی مصرف و مسکن و فعالین کارگران فلزکار مکانیک به مدت ۳ ماه. تظاهرات روزکارگر در پارک لاله توسط سندیکای کارگران شرکت واحد و نقاش و جمعی از فعالین کارگری و بازداشت بیش از ۵۰ نفر از تظاهرکنندگان و زندانی شدن به مدت ۳ ماه.

برای داشتن سندیکا و دستمزد عادلانه به

پیشواز جشن روز کارگر برویم

کارگر

چراغ کسی، بی تو تابنده نیست
بر و بوم، آباد از کار تُست
بهار خزان دیده ام، رنگ یافت
به گفتارش آورد، کردار تو
ز رنج تو در خاک هستی دمید
نشان از تو و کار تو یافتند
نه سرمایه داری که غارتگر است
تهی شد تو را کیسه، پُرگشت او
تو را زندگی تلخ، از بهر چیست؟
مبادا، نشینی تو در کنج غم

فرو ریز بنیاد خونخوارگان
کز آنان به گیتی نماند نشان

علی جعفری (کارگر) عضو سندیکای کارگران معدن شمشک

۱۳۲۴

جهان، کارگر بی تو پاینده نیست
دل مردمان، شاد از کار تُست
ز نیروی کارت، بها سنگ یافت
به تندیس بخشید جان، کار تو
به گیتی ز تو زندگی شد پدید
دل نقره و زر چو بشکافتند
تو را کار، سرمایه کشور است
ز نیرنگ سوداگر دیو خو
به پا خیز امروز دیروز نیست
توانی تو در هم بکوبی ستم



جهت داشتن زندگی مناسب و فردای بهتر
برای فرزندانمان به سندیکاهای کارگری
پیوندیم

نقش طبقه کارگر در تحولات اجتماعی

اول ماه مه هر سال یادآور اعتصاب جنبش هشت ساعت کار وندای پُر شکوه کارگر قهرمان آگوست اسپایز از رهبران جنبش هشت ساعت کارشیکاگو است که در هنگام اعدام شدن فریاد زد: **صدایی که امروز خاموشش می کنید، فردا در جهان طنین انداز خواهد شد.**

پس از گذشت ۱۲۶ سال از آن واقعه، امروز جهان چنان در تلاطم است که سرمایه داری جهانی فکراینکه در زادگاهش انگلیس و سردمدار جهانش آمریکاروزی برسد که مجبور به مقابله خشن هر روزه با فعالان جنبش ۹۹ درصدی وال استریت باشد، رانمی کرد. امروز صدای اسپایز و اسپایزها چنان قوی شده که از مرزهای کشورهای سرمایه داری گذشته و کشورهای عربی رانیز دستخوش تغییرات و تحولات نموده است. نظام انسان کُش سرمایه داری امروز با چنان بحرانی درگیر شده، که تمامی حیاتش به خطر افتاده است. موج ضد سرمایه داری، که از انقلاب کارگری پاریس شروع شده بود، امروز در جمع بزرگتری از کشورها قدرتمندانه به پیش می تازد. آفریقای جنوبی، قبرس، چین، ویتنام، لائوس، کوبا، نیکاراگوا، شیلی، برزیل، بولیوی. این کشورها راهی غیر از نظام سرمایه داری رابرای اقتصاد و سیاست کشور هایشان و با حضور قدرتمندانه طبقه کارگران در پیش گرفته اند. این مجموعه به قطبی بدل گشته که نظام سرمایه داری را در اروپا و آمریکا به چالش کشانده اند. دیر نیست که در فرانسه، مهد انقلاب کارگری نیز اتحاد سندیکا های کارگری و دوستانان طبقه کارگر، یکی دیگر از مراکز کارگرسنیز سرمایه داری رابه نفع زحمتکشان تغییر دهند. بحران عظیمی که بنا به اراده کمتر از یک درصد از جمعیت دنیا بدست صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی برای چپاول هرچه بیشتر ثروت زحمتکشان جهان رقم خورده بود، با چالشی بنام جنبش وال استریت و بهار عربی مواجه گردیده است. اتحادیه های کارگری در تونس ضربه ای سخت به نظام ضد انسانی سرمایه داری منطقه وارد کرده و با تغییر رژیم کارگر کُش بن علی به توفانی به نام بهار عربی برای همه کشورهای منطقه بخصوص عربستان و مصر و اسرائیل بدل گشتند. آنچه مسلم است نظام سرمایه داری با زلزله ای روبرو شده است، که به فروپاشی هرچه بیشترش در اروپا، آمریکا، آسیا، و آفریقا منجر خواهد شد. هرچه در کشورهای سرمایه داری بحران رُخ نشان می دهد در چین ویتنام، کوبا، برزیل، قبرس، آفریقای جنوبی کمترین خللی وارد نکرده است. در این کشورها طبقه کارگر تعیین کننده روند اقتصادی و سیاسی است. وزیر آموزش عالی آفریقای جنوبی می گوید: «سندیکا های آفریقای جنوبی در یک مبارزه ۱۵ ساله تلاش کردند تاسیستم حمل و نقل شهری و بین شهری، شرکت هواپیمایی آفریقای جنوبی، اداره پست و موسسات مالی و توسعه رادربخش دولتی حفظ کنند. امروز تعداد اعضای سندیکاها در مجلس و هیات دولت از همیشه بیشتر است. رییس جمهور سخت کار کرده است تا اختلاف

های موجود میان سیاست های دولت و سندیکاها را در آفریقای جنوبی کاهش دهد. شورهای زیادی میان سه ستون اصلی ائتلاف انقلابی، کنگره ملی، حزب کمونیست، و سندیکاهای کارگری صورت می گیرد. از جمله در مورد انتخاب وزیران، امری که در کشورهای سرمایه داری فکرش راهم نمی شود کرد. میلیونها کارگر مهاجر در جستجوی کار از زیمبابوه به آفریقای جنوبی کوچ کرده اند، چرا که کارفرماهای بی وجدان زیمبابوه موجب تنش و تفرقه در میان نیروی کار شده اند. ماهمراه با سندیکاهای کارگری برای وحدت طبقه کارگر پیکار می کنیم و تلاش داریم نظارت دولت بر شرایط استخدام مهاجرین و کار را بهبود بخشیم.» آنچه در ویتنام، آفریقای جنوبی، کوبا، چین، قبرس کارگری می گذرد برای کارگران در کشورهای سرمایه داری قابل تصور نیست. آموزش و پرورش رایگان از مهد کودک تا دانشگاه، بهداشت عمومی رایگان حتا برای جراحی هایی مانند قلب و مغز و بیماریهای لاعلاجی چون ایدز و سرطان، اجاره مسکن بسیار نازل که در کوبای کارگری سالهاست تغییری نکرده است، ورزش عمومی رایگان، ریشه کنی بیسوادی و بیکاری. در این کشورها بهداشت برای همه، آموزش برای همه، مسکن برای همه، کار برای همه، سالهاست که اجرایی گردیده است. مبلغین گردن نهادن به سیاست های سازمان تجارت جهانی و صندوق بین المللی پول امروز دندان طمع به ثروت افسانه ای خاورمیانه دوخته اند، تا با مهار کردن صادرات از حوضچه های نفتی و گازی و بدست عمال خائن به خلقهای منطقه و باراه انداختن جنگ در عراق، لیبی، افغانستان و هرچه سریعتر در سوریه و تغییر نقشه جغرافیایی در منطقه، به غارت نفت و گاز ارزان بپردازند، و با همدستی سران خائن منطقه به سرکوب جنبش های آزادی بخش و مردمی در منطقه مبادرت ورزند. در این میان سندیکاهای کارگری و دوستان آنان طبقه کارگر در کشورهای جهان سد راه این غارتگری و چپاول ثروت زحمتکشان هستند. در ایران سرمایه داری انگل تجاری با همدستی سرمایه داری جهانی سعی در نابودی سندیکاهای کارگری و گسترش فقر در میان طبقه کارگر هستند. آنان می دانند که این طبقه کارگر و جنبش کارگری بود که در ایران ندای ملی کردن نفت و کوتاه کردن دست امپریالیسم انگلیس را خواستار شد و فعالانه در این امر شرکت کرد.

۱۳۲۵/۲/۱۱ - در راهپیمایی خوزستان سخنرانان خواستار ۸ ساعت کار، افزایش دستمزد، بهبود وضع مسکن، حقوق روزهای جمعه، تدوین قانون جامع کار شدند. یک سخنران زن، نفت را مرورید ایران خواند و انگلستان را متهم کرد که برای خوراک سگهای بیشتر از مزد کارگران خرج میکند و خلع ید از شرکت ایران و انگلیس را خواستار شد.

-کنسول بریتانیا در خرمشهر هشدار داد که در این مراسم سخنگوی زنان نه تنها تقاضای یک قانون کار جامع متشکل از پرداخت برابر برای کارمساوی را مطرح کرده، بلکه خواستار ملی شدن نفت شده است. (ایران بین دو انقلاب - آبراهامیان)

این جنبش کارگری بود که خواستار بیمه های تامین اجتماعی شد و کارفرمایان و دولت را وادار کرد که سهم خویش در بیمه نمودن کارگران را بپردازد. وحتا این بیمه شامل کارمندان و نیروهای مسلح نیز شد. این جنبش کارگری است که باتعاونی های توزیع خود می تواند کمرگرانی و باعث وبانی اش سرمایه داری دلال و انگل تجاری را بشکند و کالاهای ارزان قیمت را بدست زحمتکشان و مردم برساند. این جنبش کارگری بود که توانست بایستن شیرهای نفت، شیرهای دربند را از زندانها آزاد کرده ورژیم پوشالی و تا دندان مسلح شاه را از نفس بیاندازد. اگر سندیکاهای کارگری در ایران فعال شوند، نه تنها دزدان هزاران میلیاردی، بلکه آنانی که اقتصادکشور را با واردات ذلیل کرده اند و همچنین با خصوصی کردن همه زوایای اقتصاد، حتا نفت و گاز امنیت ملی را به خطر می اندازند، دیگر نخواهند توانست به حیات خائنه خود ادامه دهند. آزادی و استقلال اقتصادی و سیاسی و مهمتر از همه امنیت ملی ما در گرو آزادی سندیکاهای کارگری است. سندیکاها مروج و اجراکننده عدالت اجتماعی در همه کشورها ی جهان هستند.

مازیار گیلانی نژاد ۱۳۹۱/۲/۷

چرا سندیکاهای کارگری وانجمن های صنفی زحمتکشان هر روز محدود تر می شوند؟ مگر آنان جز آزادی سندیکا وانجمن صنفی برای مبارزه با سارقان اقتصادی، مهاجمین فرهنگی، کار دیگری می خواهند بکنند؟ آزادی و فعالیت سندیکاها وانجمن های صنفی زحمتکشان فرهنگی، جز برای مقابله با خیانت کاران به امنیت ملی، استقلال سیاسی و فرهنگی و اقتصادی، نیست و نخواهد بود. فعالیت سندیکاها وانجمن های صنفی برای نظارت بر هرچه اجرایی تر شدن حقوق انسانهاست. برگشت کودکان کار و خیابان به مدارس، دستمزد برابر زنان در مقابل کارمساوی با مردان، لغو هرگونه قرارداد موقت و سفیدامضا، قانون کاری در حمایت از زحمتکشان، به دست گرفتن مدیریت تامین اجتماعی توسط کارگران، اجرای مجازات برای صاحبان واحدهای تولیدی که دستمزدهای کارگران شان را پرداخت نمی کنند، تصویب دستمزد و مستمری مطابق با تورم توسط نمایندگان واقعی کارگران و بازنشستگان، تعطیل روز کارگر و آزادی اجتماعات کارگری، آزادی همه فعالین سندیکایی و صنفی آموزگاران، روزنامه نگاران و بازرگشایی سندیکاهای کارگری، انجمن های صنفی و خانه سینما.

اگر یک با یک برابر بود

معلم پای تخته داد می زد ،
صورتش از خشم گلگون بود
و دستانش به زیر پوششی از گرد پنهان بود...
ولی آن ته کلاسی ها،
لواشک بین هم تقسیم می کردند.
دلم می سوخت بحال او که بیخود های و هوی می کرد
و با آن شور
تساوی های چیزی را نشان می داد
با خطی روشن.
به روی تخته تاریک
که از ظلمت چو قلب ظالمان تاریک و غمگین بود.
تساوی را نوشت
بانگ آورد: که یک با یک برابر هست
که یک با یک برابر است... اینجا
بناگه... از میان جمع شاگردان یکی برخاست،
همیشه یکنفر باید بپا خیزد... همیشه یکنفر باید....
به آرامی سخن سر داد:
این تساوی اشتباهی فاحش و محض است.
نگاه بچه ها ناگه به یک سو خیره شد با بهت،
معلم مات بر جا ماند،
و او می گفت....
اگر یک فرد انسان واحد یک بود..؟
آیا باز هم یک با یک برابر بود؟

سکوت مدحشی بود و سوالی سخت.

معلم خشمگین فریاد زد: آری...

و او با پوزخندی گفت: نه..

وباز هم گفت:...

اگر یک واحد انسان واحد یک بود

آنکه زوری و زری می داشت بالابود

و آنکه قلبی پاک ودستی فاقد از زر، پست تر می بود

اگر یک فرد انسان واحد یک بود

این تساوی زیر و رو می شد،

حال می پرسم: یک اگر با یک برابر بود

نان و مال مفت خوران از کجا آماده می گردید

یا چه کس دیوار چین ها را بنا می کرد.

یک اگر با یک برابر بود

پس چه که پشتش زیر بار فقر خم می شد

یا که زیر ضربت شلاق له می شد.

یک اگر با یک برابر بود

چه کس آزادگان را در قفس می کرد

یا چه کس این راد مردان را فنا می کرد.....

وسکوت بود... وسکوت....

در این هنگام...معلم ناله آسا گفت:

بچه ها در جزوه های خویش بنویسید:

که یک با یک برابر نیست...

یک با یک برابر نیست. (خسرو گل سرخی)

علی امید الگوی کوشندگان کارگری ایران

در تاریخ ۳/۱۰/۱۳۵۲ طبقه ایران یکی از فرزندان فداکار خود را از دست داد. علی امید از اولین اعضای اتحادیه مخفی کارگران نفت جنوب در سال ۱۳۰۴ بود. با تلاش های بی وقفه او و همکارانش، وبآگاهی بخشی به زحمتکشان صنعت نفت، اتحادیه مخفی کارگران نفت جنوب در میان کارگران گسترش یافت. در نیمه شب آبان ۱۳۰۶ در گرد همایی کارگران نفت که با حضور ۲۰۰ نماینده کارگران تشکیل شد، اتحادیه تصمیم گرفت: «سازمان خود را گسترش دهد، کلوبهای کارگری و تعاونی تشکیل داده، علیه جرمه ها و کتک زدن ها و دشنام دادن ها و علیه سیاست تبعیض در شرکت انگلیسی نفت در میان ملیت ها اقدام کنند.» در مرامنامه اتحادیه کارگران نفت از جمله می خوانیم: «و ادرا نمودن شرکت به پرداخت بیمه بیکار، پیری، حوادث و غیره- برسمیت شناختن حق اعتصاب و اجتماعات کارگران- مقابله با تنبیه بدنی کارگران- تلاش برای تاسیس باشگاههای ورزشی» دیده می شود.

در ۱۳/۲/۱۳۰۸ اعتصاب کارگران تصفیه خانه آبادان شروع شد که در آن ۱۴ هزار کارگر شرکت داشتند. این اعتصاب از ساعت ۸ صبح به دعوت اتحادیه مخفی کارگران نفت به رهبری علی امید، رحیم همداد، رمضان کاوه، حسن علی ثابت، یوسف افتخاری، وفایی سازماندهی شده بود، که بایوستن کارگران بیکار شکلی دیگر یافت. خواسته های اعتصابیون بالا بردن دستمزدها تا سطح ۱۵ درصد، برسمیت شناختن اتحادیه کارگران و جشن اول ماه مه، دخالت دادن کارگران و نمایندگانشان در امور اخراج کارگران و استخدام آنان، هفت ساعت کار برای جوانان کمتر از ۱۸ سال بود. فردای روز اعتصاب با دخالت نیروهای نظامی انگلیس، سرکوب اعتصاب کارگران پالایشگاه آبادان آغاز شد. پنج هزار کارگر اخراج، ۱۵۰ کارگر زخمی، ۲۰۰ کارگر بازداشت شدند که از جمله بازداشت شدگان: علی امید، رحیم همداد، یوسف افتخاری بودند، که تا مهر سال ۱۳۲۰ تحت شرایط بسیار بد در زندان رضاشاهی باقی ماندند و با فرار رضاخان دیکتاتور از ایران، مالکان اصلی این سرزمین از زندان آزاد شدند.

علی امید و رحیم همداد به جنوب بازگشته دوباره کار سندی کایی را از سر گرفتند. علی امید و دوستانش پس از رهایی از زندان تلاش بی شائبه ای را برای دستیابی به مطالبات و رفاه و آسایش کارگران از پی گرفتند. در ۲۰/۴/۱۳۲۵ پس از برگزاری سومین جلسه نمایندگان شورای متحده کارگران و زحمتکشان نفت جنوب و نمایندگان شرکت انگلیسی نفت برای تعیین حداقل دستمزد، کارگران نه تنها بالغ و عده شرکت انگلیسی نفت در رابطه با پرداخت دستمزد روزهای جمعه مواجه شدند، بلکه دستگیری رهبران کارگری از جمله علی امید و رحیم همداد که به مذاکره دعوت شده بودند، خشم طبقه

کارگرو اعتصاب کارگران بندر معشور، آغا جاری، آبادان و اهواز را بدنبال داشت، و اعتصاب عمومی در شرکت انگلیسی نفت اعلام شد. این اعتصاب بزرگترین اعتصاب در خاور میانه شمرده می شد. ۶۵ هزار نفر در این اعتصاب شرکت کردند که این شامل ۵۰ هزار کارگرو کارمند دفتری شرکت نفت، ۲۰۰ تکنسین هندی در پالایشگاه آبادان، هزار آتش نشان، راننده کامیون، رفته گر، کارگرا راه آهن، کارگران نساجی، دانش آموزان دبیرستان ها، صدها مغازه دار، آشپز، راننده و مستخدمان خانواده های اروپایی نیز می شد.

در ۱۳۲۵/۴/۲۳ ساعت ۶ بامداد اعتصاب کارگران آبادان تحت رهبری شورای متحده کارگران و زحمتکشان جنوب که در رأس آن علی امید قرار داشت، آغاز گردید. ترات سرکنسول انگلستان در جنوب اقرار کرد که «اعتصاب بطرز شگفت آوری خوب سازمان یافته و منظم بود. هنگامی که کارگران دست از کار کشیدند، نزدیک به هزار تن از آنان به توزیع جزوه هایی پرداختند که علل اعتصاب را به اختصار توضیح می داد: دستمزد روزهای جمعه، گماردن نماینده کارگران در کارگاهها برای حل و فصل اختلافات میان کارگران و شرکت نفت انگلیسی، افزایش سالانه دستمزدها، وسایل نقلیه برای کارگرانی که ناگزیرند از خانه هایشان تا محل کار چندین کیلومتر پیاده روی کنند.»

در شب ۲۳ تیر ۱۳۲۵ حمله خونین به کارگران آغاز شد. ۲۰۰ نفر از عشایر عرب به همراه سربازان با هفت تیرو تفنگ به گاردهای محافظ شورای متحده کارگران و زحمتکشان که مسلح به چوبدستی بودند، حمله ور شدند. در این حمله ۵۰ نفر کشته و ۱۶۵ نفر نیز زخمی شدند. پس از اعتصاب علی امید برای همیشه از خوزستان به تهران تبعید شد. علی امید هر چند به تهران تبعید شد اما، تا آخرین روز حیاتش از مبارزه برای کسب حقوق زحمتکشان دست نکشید، و حتا پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ به زندان رفت.

طبقه کارگری کارجوی ایران باید گذشته خود را بدستی بشناسد و بداند که گذشته ای دردناک و در عین حال افتخار آمیز دارد. هر لقمه نانی که امروز از گلولی فرزند کارگریایی می رود و هر کلمه ای که او در دبستان می آموزد حاصل سالها نبرد خونین و تلاشی پردرد و رنج است. در گذشته ای نه چندان دور در کشور ما بکار بردن کلمه «کارگر» ممنوع بود. می گفتند این کلمه «کمونیستی» است. می بایست بجای آن کلمه «عمله و عمله جات» را بکار برد. تا اوایل ۱۳۲۰ هنوز بقایای سانسور رضاخانی به کلمه «کارگر» ایرادی گرفت. البته سخن بر سر کلمات نیست، بر سر محتوای آنهاست. تا قبل از تشکیل سندیکا های کارگری و مبارزات درخشان آن در جامعه ایران، کارگران انسان بحساب نمی آمدند. هیچ قانونی از حقوق آنها حمایت نمی کرد. هیچ سازمان و موسسه ای مدافع این طبقه وجود نداشت. رهبران و اعضای اتحادیه های کارگری که مدافعین راستین طبقه کارگر بودند، در زندانهای

رضاخانی بسر می بردند. هیات حاکمه فئودال - سرمایه داری ایران که جنبش کارگری را کوبیده بودند، می کوشیدند کارگران را تحقیر کنند و شخصیت آنان را بشکنند. اصرار آنان در بکار بردن کلمه «عمله» بجای کارگزار همین جا سر چشمه می گرفت. در پشت سر کلمه عمله هزار نوع تحقیر و تخفیف خوابیده بود. صاحبان موسسات تولیدی و مقامات دولتی مدافع آنان، حق خود می دانستند که با کارگر - عمله مانند حیوانات رفتار کنند، توهمین، ناسزا و تحقیر نسبت به کارگران امری عادی بود. تنبیه بدنی رواج داشت، فرزندان کارگران به دبستان راه نداشتند، از بهداشت خبری نبود. دستمزدها به قدری نازل بود که شکم فرزندان کارگر را با نان خالی هم سیر نمی کرد.

البته امروز هم وضع طبقه کارگر ایران درخشان نیست. امروز هم سطح زندگی کارگران به مراتب پایین تر از آن است، که باید باشد. زمانی که در اوایل سالهای ۱۳۲۰ برای نخستین بار شعار «نان برای همه، فرهنگ برای همه، بهداشت برای همه» مطرح شد، اوضاع صد بار بدتر از امروز بود. بسیاری از نمایندگان طبقات حاکم در قبال این شعار با تعجب و وحشت می گفتند: مگر ممکن است؟ مگر خدا پنج انگشت رابه یک اندازه آفریده؟ چگونه ممکن است نان، فرهنگ، بهداشت برای همه باشد؟

تا سال ۱۳۲۵ هیچ قانونی بر مناسبات کارگر و کارفرما حکومت نمی کرد. نظمی در دستمزدها، ساعات کار، مرخصی، بیمه و بازنشستگی وجود نداشت. چنان که گفتیم امروز، زندگی کارگران ایرانی هنوز از سطح مطلوب، بسیار فاصله دارد. اما اشتباه است اگر یک لحظه فراموش کنیم که همین یک لقمه نان هم که از گلوئی فرزندان کارگر پائین می رود، همین یک روز تعطیلی هفتگی که کارگری تواند در کنار زن و فرزند خود باشد، همین به مدرسه رفتن کودکان کارگر و.... همه و همه ی اینها به بهای نبرد طولانی طبقه کارگر زیر رهبری سندیکاهای کارگری، بدست آمده است. سندیکاهای کارگری رابه دلیل اینکه در مبارزات کارگری و دفاع از حقوق زحمتکشان و نبرد علیه استعمار و استبداد در صف نخست بوده، بارها به محاکمه کشیده اند. مبارزان سندیکایی سالها در زندان و تبعیدگاهها به سر برده اند. علی امیدهها امروز در میان مان نیستند، اما پرچم پرافتخار نهضت کارگری ایران همچنان در اهتزاز است و در اهتزاز خواهد بود.

«اتهام ما این است که مدافع منافع کارگرانیم. ما به این اتهام افتخار می کنیم»

جوانشیر

مازیار گیلانی نژاد

کارگران وزحمتکشان متحد شویم

اطلاعیه هیات بازگشایی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک، به مناسبت اول ماه مه

در روز اول ماه مه ۱۸۸۶ میلادی برابر با ۱۲۶۵ خورشیدی، معدنچیان شهرشیکاگو که در بدترین شرایط کاری به سر می بردند، تصمیم گرفتند به منظور طرح هشت ساعت کار در روز، دست از کارکشیده و راهپیمایی آرامی را برگزار کنند. این حرکت کارگران توسط پلیس سرمایه داری به خون کشیده شد. ده کارگر کشته، ۵۰ نفر زخمی و هفت تن از رهبران آنان دستگیر و سپس در بیدادگاه سرمایه داری به مرگ محکوم شدند. یکسال بعد در ۱۱ نوامبر ۱۸۸۷ کارگر قهرمان، آگوست اسپایز در حالی که بطرف سکوی اعدام می رفت، با صدای بلندی گفت: «صدایی که امروز می خواهید به سکوت وادار کنید، روزی در جهان طنین انداز خواهد شد.»

مبارزات قهرمانانه زحمتکشان پس از ۴۵ سال چنین در روزنامه حقیقت ارگان اتحادیه های کارگری ایران ۱۳۰۱/۲/۸ طنین انداز شد: «اول ماه مه باید تعطیل شود، این تعطیلی هرج و مرج نیست. این تعطیلی انقلاب هم نیست. این تعطیل است که باید ملت از حکومت با زور حقوق خود رامسترد دارد. این عید نیست، بلکه دادخواهی است. این روزی است که دولت باید موجودیت ملت را بفهمد. باید به حکومت فهماند که تو نوکر ملت هستی. باید موافق خواش ملت رفتار کنی. تو نمی توانی از آزادی قلم، آزادی مطبوعات و آزادی اجتماعات جلوگیری کنی، زیرا آن حق مشروع ملت است.»

بعد از ۱۲۶ سال هنوز هم اجرای هشت ساعت خواست اصلی زحمتکشان دنیا و ایران است، و بعد از ۹۰ سال باز هم ما خواهان تعطیل رسمی روز کارگر و آزادی قلم و مطبوعات هستیم.

امسال در حالی طبقه کارگر جهانی به پیشواز روز کارگرمی رود که، نظام سرمایه داری به دلیل سودجویی و غارت ثروت زحمتکشان، بحرانی فراگیر را به زحمتکشان جهان تحمیل نموده است. اتحادیه اروپا برای عبور از این بحران به همه کشورهای اروپایی دستور داده تا سیاست های سخت گیرانه را در کشورهایشان به ضرر زحمتکشان به اجرا بگذارد. سن بازنشستگی به ۶۷ سال در ایتالیا و ۶۵ سال در سراسر اروپا به اجرا گذاشته شد. میلیونها کارگر از کار بیکار، دستمزدهایشان ۳۰ درصد کاهش یافت. مالیات ها افزایش یافته و بودجه آموزش و پرورش و بهداشت عمومی کاهش فاحشی پیدا کرده است. در آمریکا، مهده سرمایه داری، زحمتکشان به دلیل سفته بازی و نزول خواری سرمایه داری مالی، بی خانمان و بی سرپناه شدند و در پارکها و خیابانها روزگاری گذرانند.

دوستان کارگر! چه شباهت هایی میان آنچه در اروپا و آمریکا می گذرد با شرایط کنونی میهنمان دارد؟

روزکارگر درحالی فرامی رسد که توفان بیکارشدن از اوایل سال بیداد می کند. کافی است نگاهی به آمار تکان دهنده روزنامه هایباندازیم تا به عمق فاجعه ای که بر زحمتکشان می گذرد، پی ببریم. این غیر از تمدیدنشدن قرارداد صد ها هزار کارگرموقت وپیمانی و روزمزد است، که بسیاریشان حتا ماههاست دستمزدهای مصوب وزارت کار و عیدی و پاداش هرساله را دریافت نکرده و نوروزی سخت راپشت سر گذاشته اند. و باز غیر از واحدهای تولیدی است که در سال گذشته ورشکست، تعطیل و یا باکمترین حد تولید کار می کنند. دستورات صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی که همه زحمتکشان را در سراسر آمریکاو اروپا و آسیا و آفریقا به فقر و تباهی کشانده در سرزمین مانیز چهره پلید خود را با برنامه هدفمندی یارانه ها و کوه گرانی در سال جدید بر سر خانواده های کارگری آوار کرده است. به گفته رییس مرکز آمار ایران بیش از ده میلیون ایرانی زیر خط فقر مطلق و نزدیک به سی میلیون ایرانی در زیر خط فقر نسبی به سر می برند. (آفتاب نیوز ۸۹/۳/۷) اگر هر روز شاهد تعطیلی کارخانه ای هستیم، در مقابل شاهد گشایش یک بانک در کشورمان هستیم. سرمایه داری مالی برای غارت ثروت ملی زحمتکشان سخت در تکاپو است. آنچه در ایران و جهان برای زحمتکشان اتفاق می افتد، دستوراتی است که سازمان تجارت جهانی و صندوق بین المللی پول به کشورها دیکته کرده و آنان نیز به اجرا گذاشته اند. سرمایه داری انگل مالی که با سفته بازی و نزول خواری در آمریکا زحمتکشان را بی خانمان کرده، در ایران با همکاری سرمایه داری انگل تجاری با واردات هرچه بیشتر، کشاورزی را ریشه کن، تولید را زمین گیر و دستاوردهای زحمتکشان را نشانه گرفته است، تا با بیکارشدن دهقانان و سر ریز آنان به شهرها برای کارگران شهری رقیبی جهت گرفتن دستمزد کمتر بتراشد و هم برای سرمایه داری جهانی کارگرانی مهاجر و ارزان قیمت تا در آن سوی آبها کارگران را وادار به گرفتن دستمزدی کمتر کنند. آری سرمایه داری برای ایجاد شرایطی که « تنها لقمه نانی به کف آری به زحمت بخوری» یا باید رقیب زحمتکشان کشورت شوی و یا در آن سوی آبها رقیب زحمتکشان دیار غربت باشی. حمله به دستاوردهای زحمتکشان که باپیش نویس قانون کار «استاد شاگردی» تا چندی دیگر به مجلس خواهد رفت، یادآور قانون کار ضد کارگری توکلی در دهه ۶۰ است. در این پیش نویس سن بازنشستگی به ۶۵ سال با ۳۵ سال سابقه کار پیش بینی شده است. بیمه اجباری به کارگاههای بالای ۱۰۰ نفر کارگر اختصاص یافته است. تعیین حداقل دستمزد توسط وزارت کار حذف و به رضایت طرفین موکول گردیده است. سازمان تامین اجتماعی به بخش خصوصی واگذار و در نتیجه میلیاردها تومان ثروت ۱۰۰ ساله زحمتکشان رایگان در اختیار سرمایه داری انگل مالی قرار خواهد گرفت. و همین چند دارو و آمپول نیز از مادر بیغ خواهد شد. سیاست «هر که پول دارد زندگی کند و هر که ندارد، بمیرد» که از اوایل دهه هفتاد شروع شده بود، اجرایی گردد. این سیاست های

غیر انسانی در حالی در تمام جهان اعمال شده، که به ثروتمندتر شدن یک درصد از جامعه جهانی انجامیده است.

زحمتکشان در ایران و جهان در اول ماه مه به این سیاست ها جواب منفی خواهد داد و نردبانی برای ثروتمندتر شدن ۱۰۰۰ نفر ثروتمند دنیا نخواهد گردید. اگر نمی خواهیم نظاره گرزندگی که ۱۰۰۰ نفر در جهان بر ایمان تدارک می بینند، باشیم باید دستهایمان یکدیگر را پیدا کرده و به هم فشرده بشوند.

متأسفانه در حالی که دستهای سرمایه داری غارتگر برای نابودی اقتصاد کشور و کشاورزیمان با واردات هر چه بیشتر باز گذاشته می شود، دستهای کارگران و زحمتکشان آگاه هر روز بسته ترمی شود. سرمایه داری انگل تجاری در جای جای اقتصاد کشور مان لانه کرده و هزاران میلیاردی به سرقت می برد و آزادانه می گریزد. در مقابل سندیکالیست ها و رهبران انجمن های صنفی و فعالین کارگری و اجتماعی در بنده می شوند. و این در حالی است که سرمایه داری در جهان و ایران هر روز با ایجاد تشکیلات برای دزدی های بیشتر جمع می شوند، سندیکاهای کارگری و انجمن های صنفی هر چه بیشتر محدود و پراکنده می گردند.

چرا سندیکاهای کارگری و انجمن های صنفی زحمتکشان هر روز محدود تر می شوند؟ مگر آنان جز آزادی سندیکا و انجمن صنفی برای مبارزه با سارقان اقتصادی، مهاجمین فرهنگی، کار دیگری می خواهند بکنند؟ آزادی و فعالیت سندیکاها و انجمن های صنفی زحمتکشان فرهنگی، جز برای مقابله با خیانت کاران به امنیت ملی، استقلال سیاسی و فرهنگی و اقتصادی، نیست و نخواهد بود. فعالیت سندیکاها و انجمن های صنفی برای نظارت بر هر چه اجرایی تر شدن حقوق انسانهاست. برگشت کودکان کار و خیابان به مدارس، دستمزدها بر زنان در مقابل کار مساوی با مردان، لغو هر گونه قرارداد موقت و سفید امضا، قانون کاری در حمایت از زحمتکشان، به دست گرفتن مدیریت تامین اجتماعی توسط کارگران، اجرای مجازات برای صاحبان واحدهای تولیدی که دستمزدهای کارگران را پرداخت نمی کنند، تصویب دستمزد و مستمری مطابق با تورم توسط نمایندگان واقعی کارگران و بازنشستگان، تعطیل روز کارگر و آزادی اجتماعات کارگری، آزادی همه فعالین سندیکایی و صنفی آموزگاران، روزنامه نگاران و بازگشایی سندیکاهای کارگری، انجمن های صنفی و خانه سینما.

این است خواست های زحمتکشان ایران برای نفی نظام ظالمانه سرمایه داری و آزادی فعالیت سندیکایی در جهت زندگی بهتر، امنیت ملی و استقلال اقتصادی و سیاسی.

دوستان کارگر! با کوشش زحمتکشان فرهنگی است که نام کشورمان در بلندای اسکار می ایستد، برج زیبای میلاد بادستان زمخت ماسر به آسمان می ساید، درآمدهای ارزی نفت با دستان سیاه و پشت خمیده

ما وارد کشوری می‌شود، تکه‌های آهن توسط مابه‌خودرویی زیبا تبدیل می‌شود، و در یک کلمه اگر طبقه کارگر نباشد تولید نیست، و اگر تولید نباشد ثروتی نیست.

اول ماه مه رابه عرصه تلاش جهت ایجاد و بازگشایی سندیکاهای کارگری، مدافع واقعی حقوق رنجبران در مقابله با تهاجم سرمایه‌داری به ثروت ملی و دسترنج کرگریمان تبدیل کنیم.

گرامی باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران

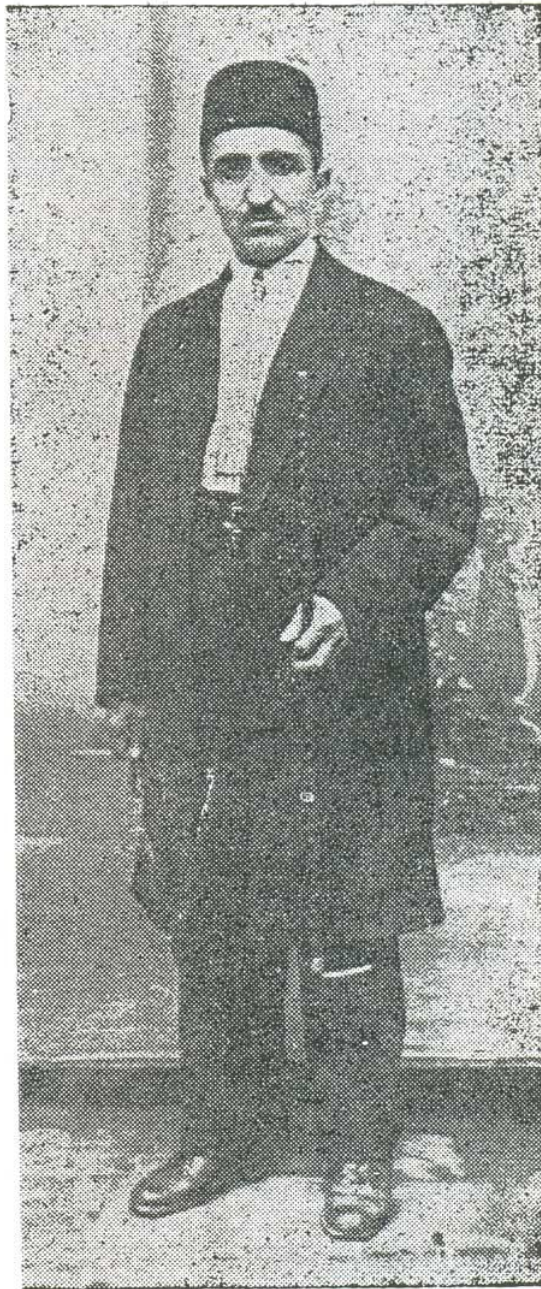
هیات بازگشایی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ۱۳۹۱/۲/۸

برای تضعیف سرمایه‌داری انگل تجاری و نجات اقتصاد و امنیت ملی، رهایی زندانیان فعال در عرصه سندیکاهای کارگری، انجمن صنفی آموزگاران، انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، کانون وکلا و خانه سینما، از خواست‌های اصلی زحمتکشان ایران است. آزادی فعالان جنبش کارگری و اجتماعی تقویت امنیت ملی و استقلال ایران عزیز است.

پیکره شادروان سید محمد دهگان

نخست رهبر ارجمند و یگانه
پیشوای بزرگوار زحمتکشان
اولین نماینده و مدیر اتحادیه
کارگران مطابع طهران
مدیر اتحادیه مرکزی کارگران
ایران .

نماینده کارگران ایران در کنفرانس
چهارم بین الملل سوم و مدیر روزنامه
تاریخی حقیقت
بزرگترین مبارز شجاع راه
آزادی بر علیه ارتجاع و برپا کننده
نهضت مقدس کارگری در ایران



روانت شادباد ای رهنمای ارجمند نام تو تا ابد سر لوحه مرامنامه کارگران
ایران خواهد بود .

قهرمانان گمنام جنبش کارگری ایران



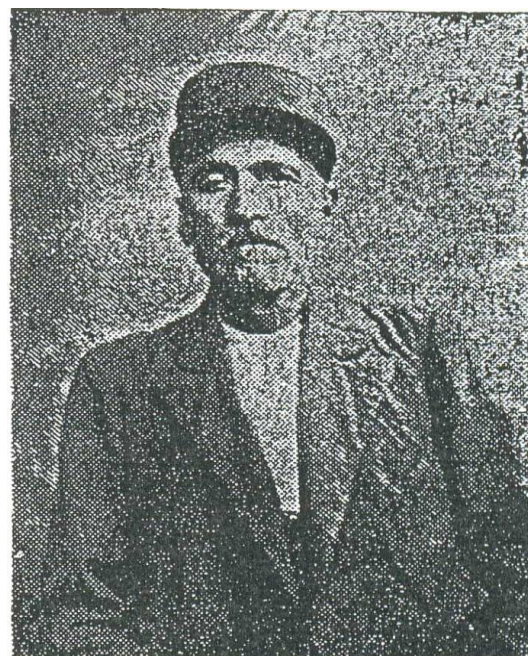
محمد حسن بهرام قلی منشی
تحدیه کارگران کفاش ۱۳۰۱



مهدی کیمرام مدیر اتحادیه کارگران
کفاش تهران ۱۳۰۱



سید مرتضی حجازی نماینده کارگران
مطابع تهران ۱۳۰۱



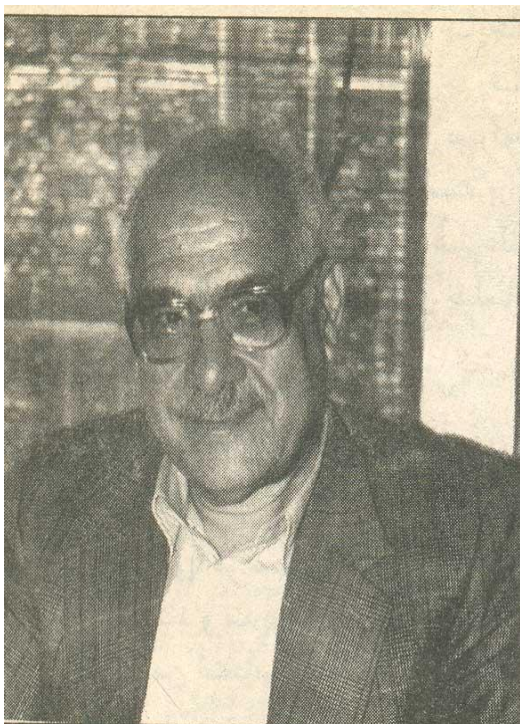
استاد میرزا علی طرفدار مدیر اتحادیه
کارگران بنا خانه تهران ۱۳۰۱



محمد تقی ناصحی نماینده اتحادیه
کارگران دواساز تهران ۱۳۰۱



باقر نوابی مدیر اتحادیه چاپخانه های
تهران ۱۳۰۱



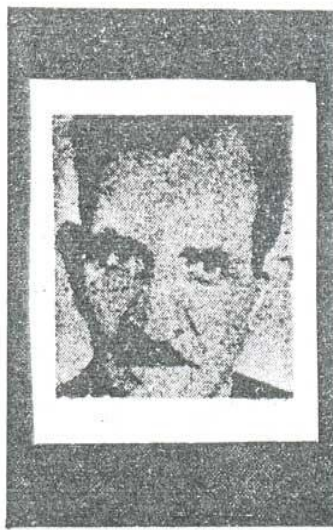
پرویز بابایی نماینده کارگران
چاپخانه تهران ۱۳۴۵



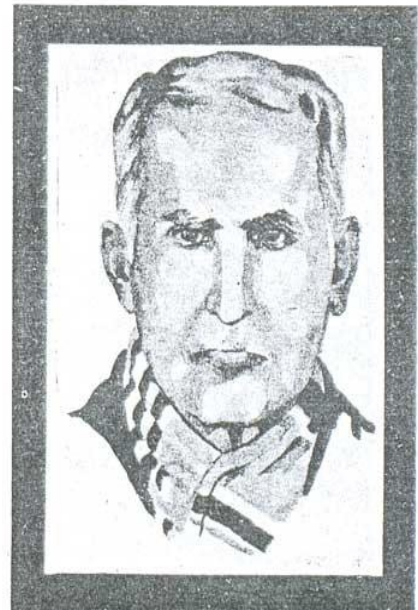
محمد پروانه بنیانگزار اولین اتحادیه
کارگری در ایران و کارگران چاپخانه



ولی‌اله مظاهری

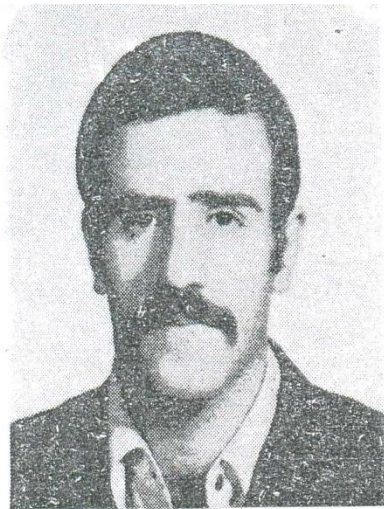


تقی باقری



علی امید

علی امید رهبر کارگران نفت ۱۳۰۴ - ۱۳۳۲ ، تقی باقری دبیر سندیکای کارخانه
دخانیات تهران ۱۳۳۵-۱۳۵۸، ولی‌اله مظاهری دبیر سندیکای کارگران ساختمانی



شهید محمد جانجانیان
عضو هیات مدیره سندیکای

بافنده سوزنی ۱۳۵۷



محسن سجادی دبیر سندیکای

کارگران خیاط ۱۳۶۲



ازداست بچب ایرج زندپور ، محبوب عظیمی ، جهان‌دیده ، محمدفرجامی
و ابراهیم یعقوب زاده

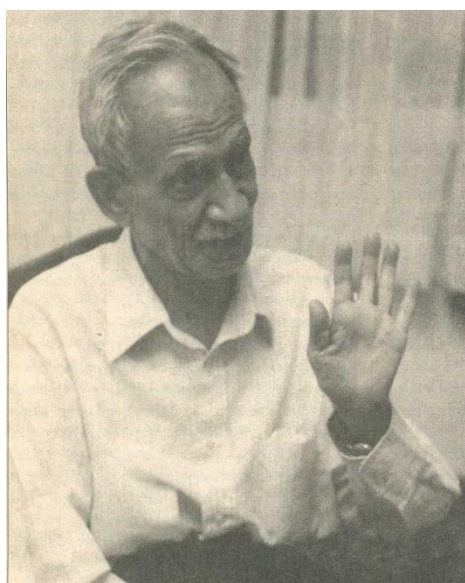


بانو زهرا

آخرین بازماندگان رهبری شورای متحده زحمتکشان
و کارگران ایران دستگیری ۱۳۳۳



حسین سمنانی دبیر سندیکای کارگران کفاش
تهران و از فعالین بیمه نمودن صنف
کفاش تهران ۱۳۴۷



محمد علی طبرسی دبیر سندیکای
کارگران بافنده سوزنی ۱۳۶۲



عباس خرم دبیر سندیکای کارگران
خباز تهران ۱۳۳۳-۱۳۵۰



جواد مهران گوهر عضو هیئت مدیره
سندیکای کارگران کفاش ۱۳۶۲



اباذبرنگی عضو هیات مدیره
سندیکای کارگران کفاش ۱۳۳۳



نبی معروفی عضو هیات مدیره سندیکای
کارگران بنایان تهران ۱۳۶۲



نورالدین جاوید پور دبیر سندیکای
کارگران کفاش تبریز ۱۳۶۲